

## صلاحیت دیوان کیفری بین الملل

علیرضا میلانی<sup>۱</sup> و مینا فردین<sup>۲</sup>

۱-استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام شهر alirezamilani@yahoo.com  
 ۲-دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرمشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس تهران Minafardin62@yahoo.com

### چکیده

اساسنامه دیوان کیفری بین الملل در نشست نمایندگان تام الاختیار ملل متحد که در تاریخ ۱۵/ژوین ۱۹۹۸ در رم آغاز شد و در ۱۷ ژوین ۱۹۹۸ تایید نماینده ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور رسید و نهایتاً بعد از تصویب ۶۰ کشور لازم الجرا شد. صلاحیت دیوان به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت: نسل کشی (کشتار جمعی) ۱ جرایم علیه بشریت، ۲ جرایم جنگی، ۳ تجاوز. ۴ دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را « تنها نسبت به مهم ترین جرایم بین المللی مربوط به مجموعه جامعه بشری» اعمال خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: دیوان کیفری، بین المللی

- 1- Genocide.
- 2- Crimes against humanity.
- 3- War Crimes.
- 4- Agression.

تا قبل از جنگ جهانی همواره اصل بر مصونیت سران دولتها بوده است. ولی پس از جنگ جهانی دوم نخستین گام در جهت تغییر این اصل برداشته شد. برای اولین بار در ماده ۲۲۷ معاهده ورسای به محاکمه امپراطور آلمان اشاره شد. در ماده ۲۲۸ و ۲۳۰ نیز درباره محاکمه ۹۰۰ نفر از کسانی که مرتکب جنایات جنگی بوده اند اشاره شد. گرچه این دادگاهها نمایشی بودند ولی گامی مؤثر و شجاعانه به سوی مجازات سران دولتها بود که مرتکب جرائم علیه بشریت شده بودند. به بیان دیگر با گذشت زمان و محاکمه سران آلمان و ژاپن توسط متفقین ما شاهد تحول مصونیت سران دولتها و احتمالاً خلع مصونیت آنان در قبال جرایم بین المللی را شاهد بودیم. در دهه ۹۰ میلادی این حرکت سرعت بیشتری به خود گرفت. به طوری که ما در ابتدا شاهد تشکیل دو دیوان بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و تصویب سند تأسیس دیوان کیفری بین المللی (اساسنامه رم) بودیم. در این زمان هر گاه یکی از رؤسای دولتها مرتکب یکی از جرایم علیه بشریت می شدند نمی توانست به مصونیت ناشی از انجام وظیفه استناد نماید و همواره این نوع مصونت شامل حال این افراد نمی گردد. بنابراین جامعه بین الملل در پی نیاز خود به اجرای مجازات علیه این افراد سعی در اجرای عدالت در صحنه بین الملل نمود در قرن بیستم، چهار دادگاه بین المللی کیفری موردی موقت تشکیل شد این چهار دادگاه عبارت بودند از دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو و نیز دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی (سابق) و رواندا. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در نشست، نمایندگان تام الاختیار ملل متحد به منظور تأسیس یک دیوان بین المللی کیفری (کنفرانس رم) اساسنامه ای را به منظور ایجاد یک دیوان بین المللی کیفری دایمی، تحت عنوان اساسنامه ی رم (ICC) به تصویب رساندند و حاکمیت دولتها نتوانست به مانعی بر سر راه شکل گیری این دادگاه ها بر خورد کند.<sup>۵</sup> به عبارت دیگر با تشکیل دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ و توکیو متعاقب پایان جنگ جهانی دوم در سال های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ بارقه ی امیدی در دل آحاد جهانیان عموماً مردم عدالت طلب دنیا به طور خاص برای امکان مجازات جنایتکاران بین المللی تابید. اما متأسفانه با یک رکود ۴۸ ساله در سال ۱۹۹۳ تاریخ شاهد تشکیل یک دادگاه کیفری بین المللی برای تعیین و مجازات عاملان جنایت ضد بشری در بخشی از بالکان به نام یوگسلاوی سابق بود.<sup>۶</sup> تشکیل این نوع دادگاه ها به وسیله شورای امنیت را دلیلی بر ضرورت گنجاندن بند ب ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی دانسته اند تا این دیوان بتواند جای آن دادگاه اختصاصی تصمیم بگیرد.<sup>۷</sup> سه دیوان بین المللی اختصاصی تشکیل شده توسط شورای امنیت از این جهت لازم به نظر می رسد که مشروعیت اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد در تشکیل چنین دادگاه هایی در خلال مباحث تأسیس و روند اجرایی محاکمات از سوی برخی نویسندگان و متهمان و وکلای آنها و نهایتاً دادگاه های مربوط در مقام قبول مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت.<sup>۸</sup>

## دیوان کیفری بین المللی

تجربه تلخ جنگ جهانی باعث شد تا جامعه بین المللی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی چاره ای اساسی بیاندیشد. اولین حرکت در جهت تشکیل دیوان کیفری بین المللی به سال ۱۹۹۸ باز می گردد.

<sup>۱</sup>- کیتی جیایزری، کریانگ ساک؛ «حقوق بین الملل کیفری»؛ همان، ص ۴۲.

<sup>۲</sup>- شایگان، فریده، «شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین المللی»، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳.

<sup>۳</sup>- میرزایی یگنجه، سعید، «سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی»، در مجموعه مقالات دیوان کیفری بین الملل و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ص ۲۵۸.

<sup>۴</sup>- صالحی، علی محمد، «تحلیل حقوقی ارجاع یک وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین المللی»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات اهواز، ۱۳۸۷.

در آن سال دیوانی در شهر (برساخ) آلمان با ۲۷ قاضی برای محاکمه امپراتور آلمان (پیتروخون هان باک) تشکیل شد. وی به لشکریان تحت امرش اجازه تجاوز به غیر نظامیان، کشتار دسته جمعی و غارت اموال مردم را داده بود. این رویه تا ۴۵ سال بعد مسکوت ماند تا این که در جنگ جهانی اول به موجب موادی از معاهده ورسای (۱۹۱۹) قرار بر تشکیل دادگاه کیفری برای محاکمه ویلهم دهم، امپراتور آلمان به علت تجاوز به اخلاق بین المللی و معاهدات شد که این او با فرار وی به هلند و عدم استردادش عملاً منتفی شد. در عمل متفقین تمایلی به محاکمه کشاندن مرتکبان جنایات جنگی از خود نشان ندادند.<sup>۹</sup>

کمیته حقوقدانان حقوق بشر در مقدمه گزارش ماه می ۱۹۹۸ خود، راه حل مبارزه با جرایم بین المللی سوء استفاده از حقوق بشر را در تأسیس دادگاه کیفری بین المللی یافته است، همچنان که در آن گزارش آمده است: «دلیل التزام ما در تأسیس یک دادگاه کیفری بین المللی این است که از نیم قرن پیش از این محاکمات نورنبرگ و توکیو، سوء استفاده های زیادی نسبت به حقوق بشر و قوانین بشر دوستانه حقوق بین الملل صورت گرفته است، و این امر هنوز ادامه دارد. کمیته حقوقدانان معتقد است زمان آن فرا رسیده است تا یک دیوان بین المللی کیفری تأسیس شود تا قادر باشد بر اساس حقوق بین الملل به فرار مجرمان بین المللی از مجازاتها خاتمه دهد، و بتواند در زمانی که سیاستهای عدالت کیفری ملی از چنین محاکمه هایی ناتوان باشند، به عنوان محکمه های توانا به رسیدگی و قضات کیفری بپردازد.»<sup>۱۰</sup> در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸،<sup>۱۱</sup> در مقر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد در شهر رم، ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم، اساسنامه ی دادگاه کیفری بین المللی را امضاء کردند و نهایتاً پس از تصویب ۶۰ کشور لازم اجرا شد. ۳- این اساسنامه دیوان شامل ۱۲۸ ماده است که به موجب ماده ۱۲۶ آن، اولین روز ماه از شصتمین روز از تاریخ تصویب پذیرش، موافقت یا الحاق شصتمین دولت لازم اجرا خواهد شد.<sup>۱۲</sup> در این کنفرانس سیاسی که پنج هفته طول کشید تنها هفت کشور با آن مخالفت کردند که در میان آنها چین، اسرائیل و می توان نام برد.<sup>۱۳</sup> بی تردید می توان گفت جنایات ارتكابی در یکی از دو دهه آخر قرن بیستم، به ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا، موجب تسریع کار پنجاه ساله کمیسیون حقوق بین الملل و نیز باعث شد که دولتها آمادگی بیشتری برای اعطای بخشی از حقوق حاکمیت خود به یک محکمه کیفری بین المللی را پیدا نمایند.

### صلاحیت دیوان کیفری بین المللی

به موجب ماده ۵ اساسنامه، دیوان نسبت به رسیدگی به ۴ جرم صلاحیت خواهد داشت:

نسل کشی (کشتار جمعی)<sup>۱۴</sup> جرایم علیه بشریت،<sup>۱۵</sup> جرایم جنگی،<sup>۱۶</sup> تجاوز.<sup>۱۷</sup>

دیوان کیفری بین المللی صلاحیت خود را «تنها نسبت به مهم ترین جرایم بین المللی مربوط به مجموعه جامعه بشری» اعمال خواهد کرد. همچنین دیوان «تکمیل کننده صلاحیت محاکم کیفری ملی»<sup>۱۸</sup> است.<sup>۱۹</sup> بنا براین با توجه به مشکلات

<sup>۹</sup> - بیگ زاده، ابراهیم؛ «سازمان ملل متحد، محاکم کیفری بین المللی تئوری و عمل»؛ مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۸، ص ۵۰، ۱۳۷۵.

<sup>۱۰</sup> - ابراهیمی، نصرالله؛ «درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه ی آن»، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲، ص ۳۶۶، برای اطلاعات بیشتر ر- ک، سایت [www.Ghavanin-Com](http://www.Ghavanin-Com)

<sup>۱۱</sup> مصادف با (۲۶ تیرماه ۱۳۷۷).

<sup>۱۲</sup> - شریعت باقری، محمد جواد؛ «حقوق کیفری بین الملل»؛ اردبیلی، محمد علی؛ «حقوق بین الملل کیفری»؛ گزیده مقالات، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸.

<sup>۱۳</sup> - رابرتسون، جفری، جنایات علیه بشریت، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر دکتر میر محمد صادقی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم رضوی ۱۳۸۸ چاپ اول ص ۴۳۸

- 14- Genocide.
- 15- Crimes against humanity.
- 16- War Crimes.
- 17- Aggression.

عملی که در راه دیوان برای رسیدگی به جرایم متعدد و گسترده وجود دارد و در راستای پاسخگویی به تمایل اکثر دولتها برای احترام به حق حاکمیت ملی، اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، بر خلاف اساسنامه های دیوانهای کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، که برای این دولتها تفاوت در صلاحیت نسبت به محاکم داخلی قائل شده بودند، برای دادگاه کیفری بین المللی صلاحیت تکمیلی<sup>۲۰</sup> نسبت به محاکم کیفری داخلی را پذیرفته است. قابلیت پذیرش یک دعوی در دیوان به قاعده تکمیلی<sup>۲۱</sup> بودن صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی اشاره دارد. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است، که در مقدمه اساسنامه با این عبارت ذکر شده: «... با تأکید بر دیوان بین المللی که بموجب این اساسنامه تأسیس می شود، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود...»

همچنین در ماده یک اساسنامه نیز تصریح شده است

«... دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی است...».

هر چند اساسنامه، تعریفی از تکمیلی بودن صلاحیت دیوان ارائه نداده، اما در ماده ۱۷ مصادیق و شرایط آن را ذکر کرده ایت، که اجمالاً عبارتند از

الف) موضوعی که توسط دولت صلاحیت دار در دست تحقیق یا تعقیب است، در دیوان غیر قابل رسیدگی می باشد مگر اینکه آن دولت حقیقتاً مایل یا قادر<sup>۲۲</sup> به اجرای تحقیق و تعقیب نباشد. ب) وقتی به علت عدم توانایی یا تمایل دولت صلاحیتدار اصلاً تعقیبی صورت نمی گیرد، دیوان قابلیت رسیدگی خواهد داشت. ج) هنگامی که شخص مورد نظر قبلاً تحت محاکمه قرار گرفته و پرونده مختومه شده است، لیکن این محاکمه بموجب بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در حقیقت برای صیانت از شخص مذکور، از مسئولیت کیفری جنایت مشمول صلاحیت دیوان بوده، یا دادرسی مستقل و بی طرفانه و مطابق استانداردهای شناخته شده حقوق بین الملل صورت نگرفته است. د) موضوع باید از چنان اهمیتی برخوردار باشد که اقدامات دیوان را توجیه کند تا دیوان نسبت به جرایم مذکور در ماده ۵ اساسنامه، قابلیت پذیرش را داشته باشد.

بنابراین هر گاه نسبت به موضوعی دستگاه قضایی ملی صلاحیتدار در حال تعقیب یا محاکمه عادلانه و مطابق با اصول دادرسی شناخته شده در حقوق بین الملل باشد، یا بر طبق همین موازین رسیدگی کرده و حکم قطعی و نهایی (اعم از محکومیت یا برائت) صادر کرده باشد. بنابر قاعده تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، آن موضوع قابلیت رسیدگی در دیوان را نخواهد داشت.

به موجب ماده ۱۸ اساسنامه در مواردی که به استناد بندهای الف و ج ماده ۱۳ اساسنامه یک دولت عضو وضعیتی را به دیوان ارجاع و یا اینکه دادستان راساً نسبت به وضعیتی تحقیق را آغاز کرده باشد وی می -بایست تصمیم قابلیت پذیرش آن دعوا را به کلیه ی دولت های عضو و دولت هایی که معمولاً بر جنایات مورد نظر اعمال صلاحیت می کنند اعلام نماید. در فاصله یک ماه از دریافت اعلامیه هر دولتی می تواند به دیوان اطلاع دهد نسبت به آن موضوع مشغول تحقیق است.<sup>۲۳</sup> البته این امر را نباید از نظر دور داشت که براساس ماده ۱۹ اساسنامه دیوان همان گونه که صلاحیت می تواند مورد اعتراض قرار گیرد. تصمیم قابل پذیرش بودن موضوع نیز توسط متهم و دولت صلاحیت دار یا دولتی که صلاحیت دیوان از سوی آن دولت به موجب قسمت اخیر ماده ۱۲ لازم می باشد، قابل اعتراض است. قابلیت پذیرش دعوا در دیوان از موضوعات بسیار مهم و مناقشه برانگیز در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی است. علل خصوص در آن بخش که دیوان می بایست احراز نماید، دولتی قادر با مایل به تعقیب و دادرسی بی طرفانه، نسبت به شخصی نیست، یا حکم صادره و قطعی شده بر طبق ملاک های شناخته شده حقوق بین الملل صادر نشده است، یا اینکه اگر شخصی در دادگاه های ملی به صورت عادلانه محکوم گردد، لیکن از سوی مقامات صلاحیتدار حکومتی مورد عفو قرار گیرد دیوان با چه تکلیفی مواجه است؟

18- Principle of Complementary.

<sup>۱۹</sup>- شریعت باقری، محمد جواد؛ «حقوق کیفری بین الملل»؛ همان، ص ۸۵

20 -principle of complementary.

21- unwilling.

22 -unable.

<sup>۲۳</sup>- صالحی، علی محمد، ص ۵۰

اصل تکمیلی بودن صلاحیت دیوان نه تنها از سوی کشورهای جهان سوم بلکه از سوی کشورهای نظیر ایالات متحده آمریکا نیز مورد حمایت قرار گرفته است. دلیلی عمده کشورهای جهان سوم نگرانی آن‌ها از نقض حاکمیت ملی و دخالت قدرت‌های خارجی، ولو بین‌المللی، در امور مربوط به صلاحیت کیفری محاکم ملی بوده است.<sup>۲۴</sup> دیوان کیفری بین‌المللی به منظور جایگزینی محاکم ملی طراحی نشده، بلکه تکمیل‌کننده آنهاست این اصل تکمیلی مقرر می‌کند که دیوان کیفری بین‌المللی هنگامی که تحقیقات و تعقیبی در سطح ملی انجام می‌شود صلاحیت نخواهد داشت.<sup>۲۵</sup> همچنین به اصل مسئولیت کیفری فردی<sup>۲۶</sup> در این دیوان در ماده ۲۵ اساسنامه اشاره شده است و مسئله‌ی مهمتر که اصل مهمی به عنوان عطف به ما سبق نشدن [مقررات اساسنامه] در ماده ۲۴<sup>۲۷</sup> به آن اشاره دارد که باعث می‌شود دیوان نسبت به تمام جنایتکاران جنگی که تا این زمان مرتکب جرایم علیه بشریت شده‌اند صلاحیت داشته باشد.

### تعقیب جنایتکاران بین‌المللی در منظر دادگاه‌های بین‌المللی کیفری

تردیدی نیست که تعقیب و مجازات جنایتکاران بین‌المللی عامل تعیین‌کننده‌ای در تضمین اجرای حقوق بین‌المللی کیفری است. چنین به نظر می‌رسد که اعطای صلاحیت به محاکم دولت محل ارتکاب جنایات کفایت نمی‌کند. به منظور حصول اطمینان از وجود یک دادگاه صالح در کلیه موارد باید به راه‌های دیگری اندیشید برای اولین بار کنوانسیون چهارگانه ژنو با قبول اصل صلاحیت جهانی یعنی ملزم کردن کلیه دول طرف این کنوانسیون‌ها به جستجو و تسلیم افراد متهم به ارتکاب تخلفات عمده‌ی این کنوانسیون‌ها به محاکم خود قدم بسیار مؤثری در این جهت برداشته‌اند.<sup>۲۸</sup> اگر چه نقض حقوق غیر نظامیان و حمله به آنان از چندین دهه پیش یک جنایت بین‌المللی به شمار می‌آید، اما امروزه علاوه بر ممنوعیت قراردادی و عرفی این حملات و قابل تعقیب بودن عاملان آن براساس اسناد بین‌المللی، چند محکمه خاص و دیوان کیفری بین‌المللی هم وجود دارند که رسیدگی به این جنایات در اعداد موارد شمول صلاحیت آنان است. تا به حال نیز چندین جنایتکار جنگی بر همین اساس محاکمه و محکوم شده‌اند، هر چند که علیه بسیاری از جنایتکاران نیز هنوز اقدامی نشده است. با توجه به وجود کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی و قوانین داخلی هر دولت از یک طرف و افراط و تفریطها در برخورد با جنایتکاران و نقض‌کنندگان شدید قوانین بین‌المللی و حقوق بشردوستانه و در مواردی سوء استفاده از قوانین بین‌المللی از طرف دیگر جای این سوال باقی است که مشکل اصلی در رابطه با حقوق بشر دوستانه کدام است؟ آنچه مسلم است حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابلیت رویارویی باتمامی چالش‌های به وجود آمده از جنگ‌های مدرن برون مرزی و درون مرزی و ترور‌ها را دارد. آنچه این روند را نا کارآمد کرده نه فقدان قواعد بشر دوستانه، بلکه عدم اجرای آن است. زیرا کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی نه تنها دولت‌ها را تشویق به کشتن مرتکبین جنایات جنگی به پیشگاه عدالت می‌کند، بلکه خواستار محاکمات عادلانه با اعمال صلاحیت جهانی نسبت به دولت‌ها می‌شود.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۴</sup>- میر محمد صادقی، حسین، همان، ص ۴۵.

<sup>۲۵</sup>- شریعت باقری، محمد جواد، همان، ص ۶۵.

26\_ Individual Criminal responsibility.

<sup>۲۷</sup>- متن ماده ۲۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بدین شرح است:

۱- هیچکس به موجب این اساسنامه نسبت به عملی که قبل از لازم الاجرا شدن آن مرتکب شده است، مسئولیت کیفری نخواهد داشت.

۲- اگر مقررات قابل اجرا در یک مورد به خصوص قبل از صدور حکم نهایی تغییر یابد، مقرراتی که مساعدتر بحال شخصی است که موضوع تحقیق، تعقیب و یا محکومیت قرار دارد، اجرا خواهد شد.

<sup>۲۸</sup>- ممتاز، جمشید؛ «تدوین و توسعه حقوق بین‌المللی کیفری»؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴، ص ۵.

<sup>۲۹</sup>- حسینی، سید علی؛ «چالش‌های جدید حقوق بشر دوستانه و راه‌های مقابله با آن» بر گرفته از سایت

### بررسی موانع تعقیب سران جنایتکار در سطح جامعه بین الملل

هر گاه یکی از سران دولت‌ها مرتکب یکبارگی جرایم شناخته شده بین المللی شود توسط دادگاه بین المللی جلب و محاکمه خواهد شد. این امر دارای مشکلات و چالش‌های بسیاری است که متعاقباً مانع اعمال مجازات و یا حتی جلب و محاکمه این افراد می‌شود که در این بخش نگارنده سعی دارد که به بررسی این مشکلات بپردازد:

۱. از آنجایی که تأسیس دیوان کیفری بین المللی مبتنی بر یک معاهده است شماری از دولت‌ها توافق کرده اند مرجعی بین المللی برای به رسیدگی به جرایم موضوع اساسنامه تأسیس کنند.

به موجب اصل « اثر نسبی معاهدات »، معاهده تنها نسبت به کشورهای عضو لازم اجراء و لازم الاتباع است. دولت‌های ثالث اساساً تعهدی نسبت به اجرای معاهده منعقد شده بین سایر دولت‌ها ندارند. با این وصف هر گاه دولتی به عضویت اساسنامه در نیامده باشد علی‌الاصول حقوق و تکالیفی در دیوان نخواهد داشت.<sup>۳۰</sup>

به همین دلیل اساسنامه از میان دولت‌ها، تنها به دولت‌های « عضو » حق داده است که وضعیتی را به دیوان ارجاع کنند ( ماده ۱۳). بنابراین بدیهی‌ترین راه برای شروع به رسیدگی در دیوان کیفری بین المللی ارجاع موضوع از جانب یکی از کشورهای عضو است شاید انگیزه اصلی دولت‌هایی که برای تشکیل چنین دیوانی تلاش کرده یا عضو آن شده اند این بود که بتوانند در زمان نیاز به اقتضاء موضوعی را در آن مرجع مطرح یا دادخواهی کنند. هر چند نگاهی اجمالی به روند مذاکرات کمیته مقدماتی<sup>۳۱</sup> و کنفرانس دیپلماتیک رم<sup>۳۲</sup> نشان می‌دهد که به علت توسعه تدریجی مفهوم دولت ذی نفع و یا مرتبط به این جهت که جرایم خطیری مانند نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت به کل جامعه جهانی مربوط می‌شود، این شرط که دولت ارجاع دهنده می‌بایست ذی نفع موضوع جنایت باشد حذف شد.<sup>۳۳</sup> متن اساسنامه نیز ارجاع قضیه توسط دولت‌های عضو را به طور مطلق و بدون ذکر شرط ذی نفع بودن یا مرتبط بودن آورده است.<sup>۳۴</sup>

۲. دیوان طبق ماده ۱۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی صرفاً نسبت به جنایاتی صلاحیت دارد که بعد از لازم اجراء شدن اساسنامه ارتکاب یافته است،

۳. دیوان طبق ماده ۱۲ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به شرطی می‌تواند نسبت به جنایات مندرج در اساسنامه اعمال صلاحیت کند که جنایات در قلمرو آن کشور ارتکاب یافته یا دولتی که متهم تبعه اوست عضو اساسنامه باشد (موافق ماده ۱۲).

۴. اگر هیچ یک از دو دولت اساسنامه را نپذیرفته یا به تصویب نرسانده باشند دیوان هیچ گونه صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت، مگر این که:

الف: یکی از دو دولت با این که عضو اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیست طبق بند های الف و ج ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با تسلیم اعلامیه ای به رئیس دفتر دادگاه مبنی بر رضایت خود، صلاحیت دیوان را برای جنایات ارتكابی مورد نظر بپذیرد.

برخی از دول به گونه دیگر خواستار گسترش دادن به صلاحیت دادگاه بودند. برای مثال دولت کره خواهان آن بود که هر گاه دولت متبوع شخص متضرر از جرم یا دولت دستگیر کننده عضو دیوان باشد نیز دادگاه صلاحیت رسیدگی داشته باشد. بر عکس آمریکا خواهان محدود شدن صلاحیت دادگاه بود و از جمله پیشنهاد می‌کرد که دادگاه تنها در صورتی صلاحیت

<sup>۱</sup> - شریعت باقری، محمد جواد، پیشین، صص ۲۹-۳۰.

2- The preparatory committee.

3- the Rome conference.

<sup>۴</sup> - اجتهادی، عباس، « جایگاه دادرسی دیوان کیفری بین المللی و نقش دادستان آن »، مجموعه مقالات دیوان کیفری بین المللی جمهوری اسلامی

ایران، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، به نقل از

Report of preparatory committee on the establishment criminal court 1996 volume 1.p32 of on international.

<sup>۴</sup> - صالحی، علی محمد، پیشین، صص ۴۳.

رسیدگی داشته باشد که هر دو مبنای فوق موجود باشد، یعنی هم دولت محل ارتکاب جرم و هم دولت متبوع شخص تحت تعقیب به اساسنامه ملحق شده باشد.<sup>۳۵</sup>

ب: شورای امنیت به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد هر گاه به این یقین برسد که جرایم علیه بشریت کشورهای اتفاق افتاده حتی اگر آن کشور عضو دیوان نباشد آنرا به دیوان ارجاع می کند (مانند صدور حکم جلب عمر البشیر) با این حال دیوان همانند یک دادگاه خاص مشابه دادگاه برای یوگسلاوی سابق و یا دادگاه رواندا عمل خواهد کرد.<sup>۳۶</sup> بنابراین سرزمینی بودن جرم و تابعیت فاعل، دو مبنای اعمال صلاحیت دیوان به شمار می رود پیوند این دو معیار با صلاحیت دیوان این مرجع بین المللی را در امتداد مراجع قضایی ملی قرار داده است.<sup>۳۷</sup>

۱. یکی دیگر از موانع عمده، که بیشتر اوقات در این زمینه در قوانین اساسی کشورها مطرح می شود این است که کشورها اتباع خود را مسترد یا اخراج نمی کنند. اساسنامه رم مقرر می داند که دیوان کیفری بین المللی می تواند از کشوری که در خاک آن شخص ممکن است حضور داشته باشد بخواهد شخص مذکور را توقیف کند و تحویل دیوان دهد (ماده ۸۹). تدوین کنندگان اساسنامه رم از مشکلاتی که ممکن بود برای بعضی از کشورها در امر تأیید اساسنامه رم، بخاطر قواعدی که در قوانین اساسی آنها وجود داشت، پیش بیاید آگاه بودند، به همین جهت دقت طبق ماده ۱۰۲ دیوان کیفری بین المللی بین تسلیم «عملی که به موجب آن، کشوری در اعمال مقررات اساسنامه حاضر شخصی را تسلیم دیوان بین المللی کند» و استرداد «عملی که به موجب آن کشوری به استناد یک معاهده یا یک قرارداد قانونی داخلی شخصی را به کشور دیگر تسلیم کند».

۲. البته این دشواری ها جدید نبود و پیش از این برای دو دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی و رواندا پیش آمده بود. ماده ۲۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی و ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا انتقال یا معرفی متهم را به منظور دادرسی در برابر این دادگاه های بین المللی پیش بینی کرده بود. مشکل در مورد اعزام (میلوسویچ) به دادگاه لاهه پیش آمده بود؛ زیرا رئیس جمهور صربستان، آقای کوشتومینستا متخصص حقوق اساسی، همیشه با این امر مخالف بود.

در این مورد مسئله ی بسیار حساسی مطرح است از یک سو مسئله حاکمیت دولت، از دیگر سو موضوع استقلال مرجع جزایی بین المللی.<sup>۳۸</sup>

۳. مسئله مصونیت ها نیز که در قوانین اساسی بعضی از کشورها برای تعدادی از اشخاص به رسمیت شناخته شده است، در بحث های مربوط به تأیید اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پیش کشیده شده است. ماده ۲۷ اساسنامه رم مقرر می کند که «اساسنامه مذکور بدون هیچ گونه تمایز مبتنی بر عنوان رسمی اشخاص، به نحوی یکسان نسبت به همه قابل اعمال است». این موضوع به رئیس کشور یا رئیس دولت، وزیر یا نماینده مجلس، نماینده منتخب یا مأمور دولت مربوط می شود.

بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به نحوی صریح متذکر می شود این مصونیت ها، که به استناد حقوق داخلی یا بین المللی به لحاظ عنوان رسمی یک شخص ممکن است نسبت به او قابل اعمال باشد، مانع دیوان نمی شود که صلاحیت خود را نسبت به شخص مذکور اعمال نکند. مقررات مربوط به مصونیت ها در قوانین اساسی کشورها بسیار متنوع است. مصونیت به ندرت مطلق است و گستردگی آن نسبت به رئیس کشور به مراتب زیادتر است تا نسبت به وزیران یا نمایندگان مجلس.

بیشتر اوقات، مراجع قضایی یا آیین های رسیدگی اختصاصی، برای محاکمه اشخاص منتفع از مصونیت پیش بینی شده است.

<sup>۳۵</sup>- میر محمد صادقی، حسین، پیشین، ص ۸۲.

<sup>۳۶</sup>- اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۴۰.

<sup>۳۷</sup>- پیشین.

<sup>۳۸</sup>- تاورنیه، پل؛ «قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»؛ ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲، صص ۱۵۸-۱۵۷.

در واقع رویه قضایی پذیرفته است که این مصونیت‌ها مطلق نیست و قضیه پینوشه نمونه گویایی در این مورد است. این قضیه نشان می‌دهد مصونیت‌های قانون اساسی، ناگزیر است در برابر الزامات عدالت بین-المللی عقب نشینی کند.<sup>۳۹</sup>

۴. در قوانین اساسی بعضی از کشورها صدور حکم مجازات به حبس ابد ممنوع است این مسئله در چند کشور آمریکای لاتین و همین‌طور در پرتغال و اسپانیا مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. این امر، مسئله ظریف اعاده حیثیت را در قوانین اساسی که صدور حکم محکومیت به حبس ابد را منع کرده، مطرح می‌سازد. با این که در ماده ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده که دیوان می‌تواند حکم به حبس ابد دهد اما در ماده ۱۱۰ اساسنامه پیش‌بینی شده «اگر محکوم ۲۵ سال از دوران محکومیتش را در حبس گذرانده باشد دیوان باید در حکم حبس ابد صادره تجدید نظر به عمل آورد».

مشکل دیگری که ممکن است از لحاظ قانون اساسی در ارتباط با تسلیم متهمان به دیوان کیفری بین‌المللی و قواعد داخلی قابل اعمال نسبت استرداد این است که بسیاری از کشورها از استرداد متهمان به کشورهایایی که صدور مجازات‌های سنگین، مثل محکومیت به مرگ (پیش‌بینی نشده در اساسنامه) یا حبس ابد در این کشورها حاکم است، امتناع می‌کنند.<sup>۴۰</sup>

### مبانی مسؤلیت کیفری اشخاص در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

مطابق بند ۱ ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارد. البته شاید بتوان برای حل این مشکل گفت که منظور ماده را شرح دارد که عبارت است از:

«اعم از اینکه آن شخص از لحاظ کیفری مسئول باشد یا خیر» اشاره‌ای به مسئول بودن وی به طور کلی و نه در این مورد خاص است به عبارت دیگر چه شخصی از فرد عاقل و بالغ «که علی‌الاصول از مسؤلیت کیفری برخوردار است» و چه از یک صغیر یا مجنون «که به طور کلی فاقد چنین مسؤلیتی است» به عنوان ابزاری برای ارتکاب جرم استفاده کند مسؤلیت کیفری خواهد داشت. اگر از این اشکال که در ماده ۲۵ به نظر می‌رسد بگذریم، اولین صورت از صور ایجاد مسؤلیت کیفری مطابق این ماده حالتی است که فرد در ارتکاب یکی از جرایم تحت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی مباشرت داشته باشد. منظور از مباشرت آن است که فرد عنصر مادی جرم را در عین برخورداری از عنصر روانی مرتکب شود.<sup>۴۱</sup> بر اساس ماده ۲۶، این اشخاص باید در زمان ارتکاب جرم ۱۸ سال سن داشته باشد.<sup>۴۲</sup> رسیدگی به جرایم اشخاص مذکور در صلاحیت محاکم ملی است. اما غیر از این محدودیت، مقررات اساسنامه نسبت به همه اشخاص بدون توجه به سمت رسمی آن‌ها و بدون هیچ‌گونه تبعیضی قابل اجرا است و هیچ کس را نمی‌توان به اتهام یکی از جنایات که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات کرد. مگر آنکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم باشد.<sup>۴۳</sup> مطابق ماده ۳۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی:

«... جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچکس دارای مسؤلیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان است مجازات شود مگر اینکه عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم نیز باشد...» مصونیت‌ها یا قواعد رسیدگی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شود، مانع از اعمال صلاحیت دیوان نسبت به این اشخاص نیست (ماده ۲۷). به عکس، مطابق با ماده ۹۸ نمایندگان دولت ثالث می‌توانند از این مصونیتها بر طبق موازین بین‌المللی برخوردار باشند

«دیوان نمی‌تواند نوعی از همکاری را درخواست کند که دولت در مورد آن مجبور شود برخلاف تعهداتی عمل نماید که به موجب حقوق بین‌الملل در مسأله مصونیت دولتها یا مصونیت سیاسی شخص یا اموال دولت ثالث به عهده دارد مگر این که

<sup>۳۹</sup>- پیشین.

<sup>۴۰</sup>- پیشین، ص ۱۶۰.

<sup>۱</sup>-میر محمد صادقی، حسین، همان، صص ۱۴۰-۱۳۹.

<sup>۲</sup>- همان، ص ۱۳۷.

<sup>۳</sup>- همان، ص ۳۶.



قبلاً همکاری آن دولت ثالث را به رفع مصونیت جلب کرده باشد ...» هر گاه نمایندگان یک دولت در معرض اتهام باشند، دیوان در این باره اظهار نظر خواهد کرد که آیا دولت مورد درخواست می تواند بدون آنکه تعهدات خود را به موجب کنواسیون وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی، حقوق عرفی و سایر قواعد مربوط در حقوق بین الملل نقض کند با دیوان همکاری نماید؟ به موجب ماده ۲۷ اساسنامه، فقدان مصونیت آثار بسیار مهمی بر تعهد دولتها مبنی بر همکاری مقامات صالح ملی با دیوان، هدایت تحقیقات و تعقیب جنایات در صلاحیت دیوان دارد.<sup>۴۴</sup> بنابراین بدیهی است که مصونیت‌های شخصی نمی توانند در مقابل دیوان مورد استفاده قرار گیرند. از مقایسه ماده ۹۸ با ماده ۲۸ اساسنامه نکته جالبی استنباط می شود که طبق آن که هر گاه دولت عضو، بر اساس قانون داخلی و حتی قانون اساسی خود برای کسی مصونیت قایل باشد نمی تواند از تسلیم کردن وی به دادگاه کیفری بین المللی خودداری کند اما اگر این مصونیت را به موجب یک معاهده چند جانبه بین المللی به شخص یا اشخاص اعطا کرده باشد، به موجب ماده ۲۸ می تواند از تسلیم آن فرد یا افراد به دادگاه کیفری بین المللی خودداری کند بدون آنکه این کار ناقض تعهدات آن کشور در قبال دادگاه محسوب شود.<sup>۴۵</sup>

### نتیجه گیری

۱. دیوان تنها تحت شرایط خاصی می تواند نسبت به افرادی که مرتکب جنایات بین المللی می شوند اعمال صلاحیت کند. یکی از مشکلات، اصل نسبی بودن معاهدات است که دولت هایی که این عضویت را پذیرفته اند، دیوان می تواند نسبت به آن ها اعمال صلاحیت کند یا آن دولت ها اعمال صلاحیت دیوان را از آن خواستار باشند.
  ۲. هر گاه شورای امنیت تشخیص دهد به موجب فصل هفتم ملل متحد یکی از جرایم بین المللی در کشوری اتفاق افتاده، می تواند حتی اگر آن کشور به دیوان نپیوسته باشد از دیوان بخواهد که اعمال صلاحیت کند مانند صدور حکم عمر البشیر رئیس جمهور سودان.
- اما مشکل اصلی جایی است که متهم در محدوده مرزهای سرزمینی خود باشد. متهم در پناه مرزهای سرزمینی خود از هر گونه اعمال مجازات و یا حتی جلب و محاکمه مصون است. اجرای حکم جلب مشارالیه عملاً با قاعده بین المللی دیگری تحت عنوان اصل حاکمیت و استقلال دولتها تعارض پیدا می کند. بنابراین به نظر می رسد ما خلع قانونی نداریم بلکه هر گاه کسی تحت عنوان سمت رسمی مرتکب یکی از جنایات علیه بشریت و یا علیه صلح و جنایات جنگی شود مصونیت شامل حال او نمی شود (موافق ماده ۶ و ۷ دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی).
- در عمل امکان تعقیب و محاکمه این افراد در ورای مرزهای سرزمینی وجود ندارد.
- همواره تحولاتی که طی این سال ها به وجود آمده نشان داده دوران چشم پوشی از مجازات سران دولت هایی که در اریکه ی قدرت هستند به پایان رسیده است و جامعه بین المللی به دوره پایان بی سزایی رسیده و مجازات مرتکبان چنین جنایاتی به امر غیر قابل انکاری تبدیل شده ا

### منابع

۱. ابراهیمی، نصراله، (۱۳۸۵)، در آمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن، مجموع مقالات دیوان کیفری بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۴.
۲. اجتهادی، علی، (۱۳۷۸)، جایگاه دادرسی دیوان کیفری بین المللی و نقش دادستان، انتشارات وزارت امور خارجه
۳. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۵)، حقوق بین الملل کیفری، (گزیده مقالات)، تهران، انتشارات میزان. بایرز، مایکل، (۱۳۷۹)، دعوی پینوشه معجونی از حقوق و سیاست، (مترجم محمد جواد میر فخرایی) مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۵.

۴-همان، ص ۳۷.

۱-همان، ص ۸۴.

۴. بیگ زاده، ابراهیم، ( ۱۳۷۵)، سازمان ملل متحد، محاکمه کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸.
۵. تاورنیه، پل، ( ۱۳۸۲)، قوانین اساسی کشورها و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، ( مرتضی کلانتریان مترجم)، فصلنامه حقوق، شماره ۲۹.
۶. رابرتسون، جفری، ( ۱۳۸۳)، جنایات علیه بشریت، گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی زیر نظر دکتر میر محمد صادقی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم رضوی.
۷. شریعت باقری، محمد جواد، ( ۱۳۸۸)، حقوق کیفری بین المللی با مقدمه دکتر حسین میر محمد صادقی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جنگل.
۸. حسینی، سید علی، «چالشهای جدید حقوق بشر دوستانه و راه های مقابله با آن» از سایت [http://www.hoghoughdanan.com/low\\_blog/article-13-thead-o-ohtm](http://www.hoghoughdanan.com/low_blog/article-13-thead-o-ohtm)
۹. خالقی، علی، ( ۱۳۸۱)، مقدمه ای بر اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین الملل، مجله پژوهشهای حقوقی (علمی و ترویجی)، ش ۲.
- ۱۰.
۱۱. کیتی چیاپزری، کریانگ ساک، ( ۱۳۸۳)، حقوق بین المللی کیفری، ( بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی مترجم)، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. صالحی، علی محمد، ( ۱۳۸۸)، تحلیل حقوقی ارجاع یک وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات اهواز،
۱۳. شایگان، فریده، ( ۱۳۷۲)، عملیات حفظ صلح سازمان ملل، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۱۴. و الحاقات)، چاپ اول، انتشارات کمالان، ۱۳۸۶، ص ۶۱.
۱۵. میر محمد صادقی ( ۱۳۸۳ )، دادگاه کیفری بین الملل، تهران، انتشارات دادگستر.
- ۱۶.
۱۷. ممتاز، جمشید، ( ۱۳۷۴)، تدوین و توسعه ی حقوق بین الملل کیفری، مجله حقوقی، ش ۱۵.
۱۸. میرزایی ینگجه، سعید، ( ۱۳۸۴)، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول
۱۹. صوراسرافیل، محمود، ( ۱۳۷۹)، التباس معنای مزایا و مصونیت ها در حقوق بین المللی تأملی بر تعاریف و مفاهیم، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات جمهوری اسلامی ایران، ش ۲۵.
۲۰. اساسنامه دادگاه کیفری بین الملل
۲۱. اساسنامه دیوان نظامی بین الملل
۲۲. اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق
۲۳. اساسنامه دادگاه رواندا
۲۴. اساسنامه دادگاه نظامی نورنبرگ